

کاشمش

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۴ اسفند ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۳۱۳۵ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان

تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس

خشونت و تنزل نهادی

«یادداشت»



۳

کودک طلایی؛

افتخار یا بار روانی سنگین؟



۳

زبان مادری؛ حافظه‌ی جهان و تپش هویت انسان

«ادبیات»



۴

یادداشت اول

کارآمدسازی نظام یارانه‌ها و تاثیر بر بخش کشاورزی

فاطمه سراوانی

طرح کارآمدسازی نظام یارانه‌ها را می‌توان یکی از مهم‌ترین و در عین حال حساس‌ترین اصلاحات اقتصادی سال‌های اخیر دانست؛ طرحی که هدف آن، عبور از یارانه‌های پرهزینه، ناکارآمد و ناعادلانه به سمت حمایت‌های هدفمند، شفاف و اثربخش است. بررسی‌های انجام‌شده در جلسات اخیر ستاد تنظیم بازار و ستاد کارآمدسازی نظام یارانه‌ها نشان می‌دهد که این سیاست، به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد، با سطح قابل توجهی از رضایت عمومی همراه بوده است. اما در کنار این دستاورد اجتماعی، بخش تولید، به‌خصوص کشاورزی، با چالش‌هایی جدی مواجه شده که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند موفقیت بلندمدت این طرح را با تردید روبه‌رو سازد. بخش کشاورزی، به‌عنوان یکی از پایه‌های امنیت غذایی کشور، بیش از سایر بخش‌ها از تغییرات در نظام یارانه‌ها تأثیر می‌پذیرد. حذف یا اصلاح یارانه‌های نهادی، تغییر قیمت حامل‌های انرژی و نوسانات هزینه‌های تولید، مستقیماً بر توان مالی کشاورزان اثر می‌گذارد. در این میان، مهم‌ترین چالش مطرح‌شده از سوی فعالان این حوزه، مسئله تأمین سرمایه در گردش است؛ موضوعی که در صورت حل‌نشدن، می‌تواند زنجیره تولید را از نقطه آغاز دچار اختلال کند. کشاورزان، به‌ویژه بهره‌برداران خرد و متوسط، معمولاً با حاشیه سود محدود، دسترسی ضعیف به منابع بانکی و وابستگی بالا به یارانه‌های نهادی فعالیت می‌کنند. اصلاح نظام یارانه‌ها، اگرچه در بلندمدت می‌تواند به بهبود بهره‌وری و کاهش رانت منجر شود، اما در کوتاه‌مدت فشار نقدینگی قابل توجهی بر این گروه وارد می‌کند. افزایش هزینه بذر، کود، سم، سوخت و حمل‌ونقل، بدون پیش‌بینی ابزارهای جبرانی مؤثر، خطر کاهش سطح زیرکشت، افت تولید و حتی خروج کشاورزان از چرخه تولید را به همراه دارد. چالش دیگر، ناهمخوانی زمانی میان هزینه و درآمد در کشاورزی است.

ادامه در صفحه ۲



شکاف نسلی، چالش جدی فرزندپروری نوجوانان است

«۸»



رشد ۳۱ درصدی بارش‌ها در گنبد کاووس

«۷»



خط ریلی اینچه‌برون-شاهرود در فهرست پروژه‌های خاص کشور

«۷»

چالش‌های ناشران



انتشارات یاغوت سرخ دیگر ناشری بود که به چرایی تشکیل این تشکل پرداخت و گفت: مسئله مشترک ما باعث شد دور هم جمع شویم. ما در یک جامعه مدنی زندگی می‌کنیم. یعنی حق و حقوق مردم در قانون مثبت است و آن‌ها باید با این حق و حقوق آشنا باشند و آن را احیا کنند. افراد می‌توانند این کار را از طریق یک تشکل یا حزب انجام دهند. ما احساس کردیم در حوزه نشر مشکل داریم. البته مشکل ما با اشخاص نبود. بلکه با نگاه برخی سازمان‌ها بود. از این جهت، ما نیاز به چنین انجمنی داشتیم. در جلسات گذشته درباره موضوعاتی مثل ویراستاری، طراحی جلد و چرایی ندادن کار به چاپخانه‌های گرگان صحبت شد. متأسفانه برخی چاپخانه‌های گرگان با چاپ کتاب غریبه‌اند.

ادامه در صفحه ۲

آغاز به کار کردیم. ناشرین می‌توانند با عضویت در این انجمن، علاوه بر آشنایی و تعامل با یکدیگر، پیشنهادات، چالش‌ها و اهدافشان را بیان کنند.

مسئله مشترک

حسن یاغوتی، رئیس هیئت مدیره انجمن قلم و نشر گلستان و مدیر

داشته باشیم تا مشکلات و چالش‌هایمان را حل کنیم و هویتی حقوقی داشته باشیم. خیلی در این باره صحبت شد که از چه نهادی آغاز کنیم. در نهایت، با توجه به اینکه توجهمان بر وجه فرهنگی کار بود، به این نتیجه رسیدیم که یک NGO تأسیس کنیم. در نهایت با نام انجمن قلم و نشر گلستان

مهران مودنی- ناشرین استان گلستان سال‌هاست که با تمام محدودیت‌ها به فعالیت فرهنگی می‌پردازند. این ناشرین به تازگی ذیل انجمن قلم و نشر گرد آمدند تا کنار یکدیگر به بررسی چالش‌ها و مسائل حوزه کاری‌شان بپردازند. این تشکل می‌تواند گامی بزرگ برای هم‌صدایی این صنف باشد. چندی پیش، سه‌شنبه، ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ نشست هم‌اندیشی تخصصی و بررسی واقع‌بینانه وضعیت نشر استان با حضور جمعی از ناشران و فعالان این حوزه برگزار شد.

بستری برای گفت‌وگو

هدایت‌آله امینیان، مدیر انتشارات نارنجستان و عضو هیئت مدیره انجمن قلم و نشر در ابتدای جلسه به چرایی تشکیل این تشکل پرداخت و عنوان کرد: سال گذشته همه به این نتیجه رسیدیم که لازم است به نحوی نهادی رسمی

مدیرکل آموزش و پرورش گلستان:

برنامه محور عمل کنیم

استان گلستان با بیش از ۲۸۰۰ واحد آموزشی و ۲۰ هزار کلاس درس، پذیرای ۴۵۰ هزار دانش‌آموز و با همکاری ۲۶ هزار همکار فرهنگی، در مسیر ارتقای کیفیت آموزشی و تربیتی فعال است. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان به برنامه‌های محوریت‌زایی، ارتقای فضاهای آموزشی و ورزشی و مشارکت تیم‌های مردمی در پروژه‌های مدرسه‌سازی اشاره کرد و افزود: «طرح‌هایی مانند اجتماعات



ادامه یادداشت اول

کشاورز باید هزینه‌ها را در ابتدای فصل کشت پرداخت کند، در حالی که بازگشت سرمایه ماه‌ها بعد و پس از برداشت محصول اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی، نبود تسهیلات سریع، ارزان و متناسب با تقویم زراعی، عملاً اصلاح یارانه‌ها را به عاملی بازدارنده برای تولید تبدیل

می‌کند. برای عبور از این وضعیت، مجموعه‌ای از راهکارهای مکمل ضروری است. نخست، طراحی خطوط اعتباری ویژه سرمایه در گردش کشاورزی با نرخ سود ترجیحی و فرآیند ساده، می‌تواند فشار نقدینگی را به‌طور مؤثر کاهش دهد. دوم، استفاده از ابزارهای نوین مالی مانند قراردادهای پیش‌خرید، کشاورزی قراردادی و صندوق‌های ضمانت، امکان تأمین مالی بدون وابستگی کامل به نظام بانکی را فراهم می‌کند. سوم، پرداخت یارانه‌ها به‌صورت هوشمند و تولیدمحور، به‌گونه‌ای که مستقیماً به نهاده‌ها یا عملکرد واقعی کشاورز گره بخورد، می‌تواند هم از

انحراف منابع جلوگیری کند و هم انگیزه تولید را افزایش دهد. موفقیت طرح کارآمدسازی یارانه‌ها در بخش کشاورزی، نه صرفاً به حذف یا بازتوزیع یارانه‌ها، بلکه به میزان هم‌افزایی آن با سیاست‌های حمایتی تولید بستگی دارد. اگر این اصلاح بزرگ با نگاه جامع، تدریجی و مبتنی بر واقعیت‌های میدانی کشاورزی اجرا شود، می‌تواند به فرصتی برای نوسازی ساختار تولید، افزایش بهره‌وری و تقویت امنیت غذایی کشور تبدیل شود؛ در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که یکی از حیاتی‌ترین بخش‌های اقتصاد، بهای سنگین این اصلاح را بپردازد.

ادامه تیر اول

ادامه به‌طور مفصل به برخی مشکلات ناشرین استان پرداخت و گفت: متأسفانه یکی از چالش‌های کشور در حوزه فرهنگ این است که تمامی امورات به تصمیمات دولتی و ساختار حاکمیتی وابسته است. این موضوع موجب مشکلات زیادی شده است. در حوزه نشر هم یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها همین است و بسیاری از ما با یارانه‌های دولتی یا به این عرصه گذاشتیم. هیچ یک از ما برای قطع شدن یارانه دولتی آمادگی نداشتیم. اینجاست که این تشکلهای کارآمد هستند. نباید تصور کنیم که قرار است کسی دست ما را بگیرد. البته که اگر کمکی برسانند، شاید بتوانیم مسیر قابل توجهی را طی کنیم. اما باید این ظرفیت را ایجاد کنیم که بدون کمک‌های دولتی

هم خریداری کنند. یکی از چالش‌های جدی ما این است که نویسندگان از ما می‌پرسند که آیا ما ناشران می‌توانیم کتابشان را در بازار نشر بفروشیم؟ اگر ما ناشران نتوانیم کتاب‌هایمان را در قفسه‌های کتاب‌فروشی‌های استان خودمان داشته باشیم، چطور انتظار داریم نویسندگان موفق آثارشان را به ما بدهند؟ از طرفی دیگر، رویکرد ناشرین تغییر کرده است و ۹۰ درصد کتاب‌ها دیجیتال چاپ می‌شوند. چرا اتحادیه چاپخانه‌داران به این سو نمی‌رود که امکانات این چاپ را به استان آورد؟ از این رو، نیاز است که جلسات بیش‌تری برگزار شود تا به هم‌گرایی برسیم و موانع را از سر راه برداریم. این را هم نمی‌شود نادیده گرفت که بالغ بر ۵۰

کتاب تمام‌عیار از منظر ویراستاری، طراحی صفحه، طراحی جلد و... چاپ کنند، نتیجه خیلی خوبی حاصل خواهد شد. من اخیراً یک کتاب کودک و نوجوان از یکی از ناشرین معروف کشوری دیدم که مجموع مطالبش در ۱۰۰ صفحه به اندازه ۲ برگه A۴ هم نمی‌شد. تصاویر باکیفیتی هم نداشت. اما با قیمت بالایی به فروش می‌رسید و تیراژش ۱۰ هزار جلد بود. آن‌ها چه می‌کنند که ما نمی‌توانیم بکنیم؟ ما ناشرین گلستان هم باید دلمان را به دریا بزینم و چند عنوان بسیار خوب را به چاپ برسانیم. اصلاً چه اشکالی دارد اگر یک کتاب با همکاری ۵ ناشر چاپ بشود؟

کارگاه آموزشی برگزار کنیم

میلاد نوروزی، مدیر انتشارات نوروزی به عنوان یکی دیگر از ناشرین استان به دغدغه‌های حوزه نشر پرداخت و گفت: من همیشه می‌گویم پدرم که پیش از من در کار نشر فعال بود، اعتبارش در ایران ۲۰ بود. اما نتوانست اعتبار مالی خوبی برای خودش دست و پا کند. من در ۲ سال گذشته در نمایشگاه کتاب تهران حضور داشتم. شاید ۴۰ میلیون تومان هزینه کردم که بتوانیم به مدت ۱۰ روز پرچم استان گلستان را در نمایشگاه بالا نگه دارم. من فکر می‌کنم ایده خوبی باشد که گرگان یک مجموعه فرهنگی-هنری داشته باشد. کارهای زیادی در استان می‌توان انجام داد. من به شخصه کارگاه‌های آموزشی فرایند چاپ کتاب در بندرترکمن برگزار می‌کردم. از این رو، نیاز است تا حمایت‌های بیش‌تری از حوزه فرهنگ صورت بگیرد تا بستر خوبی برای رشد فرهنگی در استان فراهم شود.

اختراع دوباره چرخ عاقلانه نیست

زارعی، مدیر انتشارات جهانبان ضمن اشاره به سختی کار برای ناشران تازه‌کار، وجود چنین تشکلاتی را مثبت قلمداد کرد و اظهار داشت: بخشی از مشکلات امروز ناشرین که به مسائل فرهنگی و شیوه‌های جدید مطالعه از قبیل پاکدست‌ها و کتاب‌های صوتی برمی‌گردد کشوری است. اما برخی مشکلات استانی و حل‌شدنی هستند. تشکیل یک NGO اقدام مثبتی در این مسیر است. اختراع دوباره چرخ کار عاقلانه‌ای نیست و ما باید تجربیاتمان را در اختیار یکدیگر قرار دهیم. البته شاید باید کار از وزارت فرهنگ و ارشاد آغاز شود. دنیای نشر برای منی که تازه‌کار هستم، بسیار ناشناخته است. چرا که اصلاً آموزشی وجود ندارد. در نتیجه، چنین تشکلی می‌تواند اقدام مثبتی باشد. ما می‌توانیم از انجمن‌های شهرهای دیگر هم استفاده کنیم. همچنین می‌توانیم از اساتید مختلفی دعوت کنیم تا کارگاه‌های آموزشی برگزار کنند. البته من با الزام به بومی‌سازی چاپ موافق نیستم و معتقدم هرچا کیفیت بهتری را با قیمت کم‌تری ارائه کند، مناسب‌تر است. همان‌گونه که وقتی اسنپ آمد، بسیاری از تاکسی‌های تلفنی جمع شد. ما ناگزیریم به آن سمت برویم. اصرار به پی گرفتن مسیری جز این می‌تواند آسیب‌زا باشد.



متأسفانه در حوزه نشر در سالیان گذشته این فرصت پیش‌نیامده بود که ناشرین در قالب یک صنف گرد هم آیند و مطالباتشان را پیگیری کنند

درصد مشکلات نشر مثل افزایش قیمت کاغذ و پایین آمدن نرخ مطالعه اصلاً در حوزه اختیارات ما نیستند. پیش از این اگر از یک کتاب هزار نسخه چاپ می‌شد هم کم بود. امروز این عدد به ۵۰ رسیده است. امیدواریم که این تشکل امکانی را فراهم کند تا نقاط قوت خودمان را کنار یکدیگر قرار دهیم.

کیفیت را ارتقا دهیم

بنی‌فاطمی، مدیر نشر خرد و مهر دیگر ناشری بود که به بیان چالش‌ها و ارائه راهکار پرداخت و عنوان کرد: بشخصه تمایل من این است که پول در استان خودمان گردش پیدا کند و به چاپخانه‌های استان گلستان برسد. حتی اگر ۱۰ یا ۱۵ درصد بیش‌تر بگیرد هم هزینه حمل و نقل کم‌تری خواهیم داد و باید از آن استقبال کنیم. این نکته را هم بگویم که مجموعه ناشرین گرگان ممکن است هر سال ۵۰۰ عنوان را به چاپ برسانند که تیراژ ۹۵ درصد از آن‌ها نهایتاً ۵۰ جلد است. اما اگر تعدادی از ناشران به این نتیجه برسند که قصد دارند یک

نیز بتوانیم توانمندی‌های ناشرین استان را به کار بگیریم. باید از تجربیات یکدیگر استفاده کنیم و کمک‌های دولتی را اصل قرار ندهیم. این موضوع نیاز به تمرین و کار روانی دارد. اگر بتوانیم سلسله گفت‌وگوهایی را در این زمینه داشته باشیم، کارآمد خواهد بود. متأسفانه ما حتی بسیاری از ناشرین خودمان را نمی‌شناسیم. تا وقتی با یکدیگر آشنا نباشیم، نمی‌توانیم مسائل مشترکمان را حل کنیم. اگر بتوانیم موانع و چالش‌های حوزه کاری‌مان را لیست کنیم و درباره تک‌تکشان گفت‌وگو کنیم، اتفاقات خوبی رقم خواهد خورد. در حال حاضر، بسیاری از هنرمندان خوب گلستان تمایلی به کار کردن با ناشرین استان را ندارند. به‌طور مثال، چرا آقای مهرداد صدقی حاضر نیست با هیچ ناشری در گلستان کار کند؟ آیا تا به حال دیدگاه او را پرسیده‌ایم؟ یکی از چالش‌ها انحصار در توزیع است. ناشرین قدیمی یک بازار انحصاری در توزیع کتاب ایجاد کرده‌اند و کتاب‌فروشان را مجبور می‌کنند حتماً یک‌سری عنوان مشخص را

ریشه‌یابی مشکلات

محمدرضا مروتی، مدیر نشر شمیمس-ویرکان لزوم ریشه‌یابی مشکلات را زیر ذره‌بین برد و عنوان کرد: چنین تشکلاتی موجب ارتباط‌گیری افراد، شناخت دیدگاه‌ها و مشکلات یکدیگر می‌شود. متأسفانه در حوزه نشر در سالیان گذشته این فرصت پیش‌نیامده بود که ناشرین در قالب یک صنف گرد هم آیند و مطالباتشان را پیگیری کنند. در نهایت، مجوز این تشکل را از استانداری گرفتیم. تشکیل این جمع خودش یک فرصت است. مشکلات بسیاری در این حوزه وجود دارد. ما در بحث معرفی و تبلیغات ضعف‌هایی داریم. خیلی از آثار نویسندگان گلستانی در خارج از استان چاپ می‌شود. لازم است تا مشکل‌یابی کنیم و ببینیم مسئله از کجاست.

لزوم ایجاد بار حقوقی

حمید سلیمانی، رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران استان با انتقاد از ساز و کار فعلی تشکل، ایجاد بار حقوقی را جهت مطالبه‌گری ضروری دانست و اظهار داشت: هیچ تشکلی بدون چارچوب‌های قانونی نمی‌تواند کاری را از پیش ببرد. چرا که امکان مطالبه‌گری بیش‌تری با وجود یک چارچوب قانونی وجود دارد. متأسفانه انجمن نشر و قلم بار حقوقی ندارد. اگر بین یک چاپخانه و یک ناشر اختلافی پیش بیاید، این انجمن توانایی رفع اختلافات را ندارد. اگر در اتحادیه چاپخانه‌داران مشکلی پیش آید، یک بازرس با بررسی مسئله، نامه به تعزیرات می‌نویسد تا کمیسیون حل اختلاف موضوع را بررسی کند. در نهایت، رأی صادر خواهد شد. اگر این انجمن به آن سمت و سو برود، امکانات بیش‌تری دارد. این نکته را هم درباره چاپخانه‌های استان بگویم که سالانه نزدیک به ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار جلد از ۳۵ عنوان کتاب درسی در استان چاپ می‌شود. پس این توانایی در استان وجود دارد. بنده بشخصه به عنوان رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران گلستان هر کاری که از دستم برآید را از ناشرین دریغ نخواهم کرد.

چشم به کمک‌های دولتی نداشته باشیم

احمد خواجه نژاد، مدیر انتشارات پیک ریخان در



خشونت و تنزل نهادی



محمد حسین شعبانی

- جامعه موجودیتی اعتباری است؛ یک فرض است، لذا چرخ‌دنده‌های آن با قواعد اعتباری انسان می‌چرخد. بنابراین اگر چرخش این

چرخ‌دنده‌ها به مشکل برخورد کند، راه‌حل این مشکل نیز از ناحیه قواعد انسانی است. - عقلانیت موجود در جامعه ایرانی از ویژگی‌هایی جمعی برخوردار است. در واقع می‌توان مشاهده کرد که، کفه‌ی ترازو میان ویژگی‌های در انحصار خاص اعضا و ویژگی‌های مشترک جمع‌ها، به سمت هیئت‌های جمعی میل می‌کند. لذا باید برای پرسش چرایی خشونت عریان در دی ماه ۱۴۰۴ پاسخی در توحید اجتماعی یافت. - خشونت نوعی عمل است؛ عملی رادیکال که از پشتوانه‌ای بیان نشده خبر می‌دهد. در حقیقت، در باطن عریانیت اعمال خشونت‌آمیز، حرف‌های نگفته‌ای به تخریب و نامنی و کشت و کشتار تبدیل شده است. از آنجایی که خشونت‌های اخیر از سبقه‌ای سیاسی برخوردار بوده و این موضوع خود ریشه‌ای دیرینه در تاریخ و سنت این مرز و بوم دارد، بایسته است چرایی این اعمال را در حوزه سیاسی جویا شویم. - اگر برای انواع حکومت بازه‌ای در نظر بگیریم که دو سر و یک میانه دارد، یک سر آن استبداد مطلقه و سر دیگر آن دموکراسی مستقیم خواهد بود و در میانه انواع اعتدالی تر حکومت. بنابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسلامی هیچ یک از این دو حد نیست، بلکه می‌توان آن را از نوع دموکراسی‌های غیرمستقیم بر مبنای نمایندگی در نظر گرفت. - در هر یک از وضعیت‌های حکمرانی دو سرحد توصیف شده وضعیتی مشابه وجود دارد که عبارت است از: حضور جمعی با فاعلیت‌های غیر شخصی گروهی در نسبت ارتباطی با حاکمیت. این تشابه از

این حد تجاوز نمی‌کند، چرا که یکی بر مدار عدم امکان هرگونه آزادی اراده‌ورزانه است و دیگری در حداکثر اراده‌ورزی واحدهای جمعی جامعه. در هر دو گونه حضور خشونت پرنرنگ است اما به صورت و اهدافی متفاوت. در استبداد، سرکوب آزادی خشونت می‌آفریند. خشونتی که در فضایی غبارآلود و ابهام‌انگیز لبریز شده و به اشکالی خارج از قواعد صلح‌طلبانه و اخلاق عرفی در سطح جامعه سرریز می‌کند. اما خشونت دموکراسی مستقیم از نوع دیگری است، از سنخ اراده‌ورزی‌های پراکنده، گسسته و بی‌هدف که به یکباره و بدون تعادل‌سازی نهادی بر پیکر نظام سیاسی برخورد کرده و هر بار آن را به لرزه درمی‌آورد. واحدهای درون دموکراسی مستقیم با توهم همه‌توانی که به شکلی متناسب تعدیل نشده، به تدرج خشونتی بی‌پروا را به نمایش خواهند گذاشت و حکومت بی‌دست و پا را در طوفان اراده‌ها غرق خواهند کرد. لذا حفظ قاعده‌ی اعتدال، بهترین صورت ممکن در حکمرانی سیاسی این جایی است.

- اما اگر نوع حکمرانی جمهوری اسلامی ایران دموکراسی غیرمستقیم ریاستی - نمایندگی باشد و از دو سرحد موصوف فاصله ای معتدل گرفته باشد دیگر تجربه‌ی چنین ساحت خشنی که هزاران واحد خانوادگی را داغ‌دار عزیزان کرده و هزاران واحد سرمایه‌ای را از جیب این ملت شریف به هدر داده است چه جای رخ دادن داشت؟! - با کمی فاصله‌گذاری دقیق و توجه نافذ می‌توان مشاهده کرد که، با نبود نهادهای میانجی و واسطه‌گر واحدهای اجتماعی گوناگون که فرصت به ظهور

رسانیدن اراده‌های جمعی را ایجاد و بدین وسیله هیئت‌پنداری باورهای جمعی را در اهداف تعدیل شده‌ای هدایت کنند، وضعیت اجتماع شبیه به دریایی طوفانی شده که هیئت‌های باوری واحدهای بزرگ اجتماعی همچون کشتی‌هایی بی سکان و ناخدا در دو سر بازه‌ی حکمرانی در حال چرخیدن و سیلان هستند. چنین وضعیتی تا کجا ادامه خواهد یافت؟! دیگر غرق شدگی پیش‌بینی نمی‌خواهد. - مضاف بر این چرخش بی‌تعادل سرگیجه‌آور حکمرانی در خلأ بی‌واسطه‌گری، حوزه‌ی اقتصادی با سرمایه‌داری رفاقتی خود در حال سم ریختن پایه آخرین درختان مستحکم جلوگیری کننده از طوفان‌ها و سیلاب‌ها است و دیگر کدام پرده‌پوش می‌تواند رسوایی چنین وضعی را پنهان کند؟! - نهادهای واسطه‌ی غیردولتی دقیقاً نقطه‌ی اتکالی چنین وضعی هستند. میانجی‌هایی که از یک سو بیرق تکثر باورهای هیئت‌های مختلف جامعه هستند و از دیگر سو فضای خالی مسبب ایجاد طوفان‌های میان دولت و ملت را پر می‌کنند. در نتیجه تنزل روزافزون جایگاه نهادها و احزاب آزاد و غیر دولتی که فضای آموزش عمومی و فرصت اراده‌ورزی‌های اعضای جزئی جامعه را در یک بستر واحد اجتماعی فراهم می‌کنند تیشه به ریشه خود زدن است.



کودک طلایی؛

افتخار یا بار روانی سنگین؟

پیامدهای روانی در بزرگسالی

تجربه کودک طلایی بودن همیشه با حس اعتماد به نفس سالم همراه نیست. بسیاری از این افراد در بزرگسالی با احساس پوچی، اضطراب مزمن یا ترس از ناکافی بودن مواجه می‌شوند. وابستگی شدید عزت‌نفس به موفقیت‌های بیرونی، آنها را در برابر شکست آسیب‌پذیر می‌کند و ممکن است باعث شود ارزش خود را فقط از نگاه دیگران تعریف کنند.

کودک طلایی و چالش هویت فردی

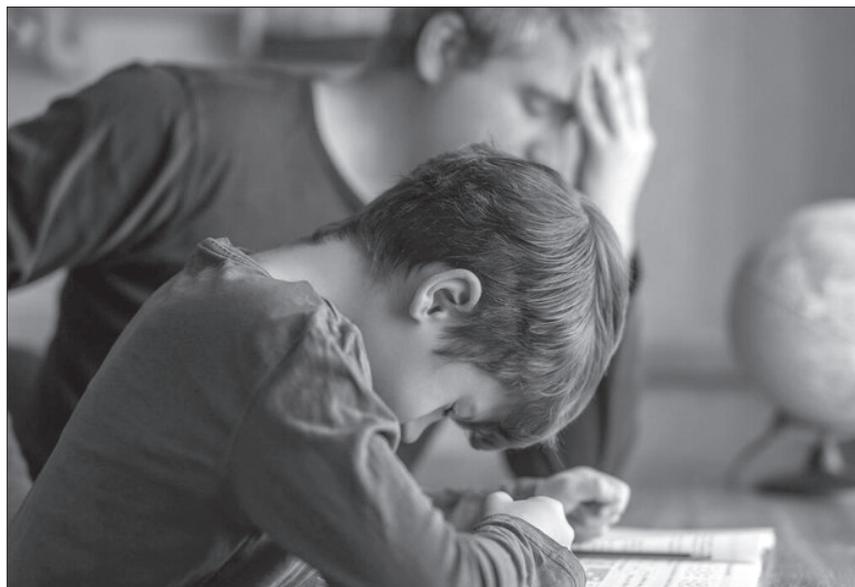
یکی از مهم‌ترین پیامدهای این الگو، اختلال در شکل‌گیری هویت مستقل است. فردی که از کودکی به‌خاطر بهترین بودن دوست داشته شده، در بزرگسالی ممکن است نداند واقعاً چه می‌خواهد یا چه چیزی او را خوشحال می‌کند. این سردرگمی هویتی، تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله انتخاب شغل، روابط عاطفی و سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

راهکارهای پیشنهادی برای بازسازی تعادل روانی

کارشناسان سلامت روان تأکید می‌کنند که آگاهی، نخستین گام برای تغییر است. شناختن این الگو و پذیرش تأثیرات آن، می‌تواند مسیر بهبود را هموار کند. روان‌درمانی، به‌ویژه رویکردهای مبتنی بر خودشناسی، به افراد کمک می‌کند ارزش شخصی خود را مستقل از موفقیت‌ها تعریف کنند و رابطه سالم‌تری با خود و دیگران بسازند.

نقش والدین در پیشگیری از این آسیب پنهان

متخصصان توصیه می‌کنند والدین به‌جای تمرکز افراطی بر دستاوردها، بر فرایند رشد، تلاش و احساسات فرزندان توجه کنند. ایجاد فضایی امن برای اشتباه‌کردن، شنیده‌شدن و پذیرفته‌شدن بدون شرط، می‌تواند از شکل‌گیری نقش‌هایی مانند کودک طلایی یا کودک نادیده‌گرفته‌شده جلوگیری کند.



شخصیتشان را پنهان کنند. ترس از اشتباه، حساسیت شدید نسبت به انتقاد و اضطراب ناشی از شکست نیز از دیگر نشانه‌های رایج در این کودکان است.

تأثیر این نقش بر روابط خانوادگی

تمرکز افراطی والدین بر یک فرزند، معمولاً تعادل عاطفی خانواده را بر هم می‌زند. خواهر و برادرها ممکن است احساس نادیده‌گرفته‌شدن، رقابت یا حتی خشم پنهان را تجربه کنند. در چنین فضایی، روابط خواهر و برادری به‌جای همدمی و حمایت، به میدان مقایسه و کشمکش تبدیل می‌شود؛ مسئله‌ای که آثار آن می‌تواند تا سال‌ها در روابط بزرگسالی باقی بماند.

شخصی، اجتماعی یا حرفه‌ای‌شان تبدیل می‌کنند. در برخی موارد نیز، تمرکز بیش از حد بر یک کودک می‌تواند نتیجه مقایسه‌های خانوادگی، فشارهای فرهنگی یا سبک‌های تربیتی نادرست باشد، سبکی که در آن برنده بودن مهم‌تر از متعادل رشد کردن تلقی می‌شود.

نشانه‌های رایج کودک طلایی در دوران رشد

مطالعات حوزه سلامت روان نشان می‌دهد کودکانی که در این نقش قرار می‌گیرند، اغلب ویژگی‌های مشترکی از خود بروز می‌دهند. آن‌ها ممکن است در تشخیص خواسته‌ها و احساسات واقعی خود دچار سردرگمی شوند و برای جلب رضایت اطرافیان، بخش‌هایی از

در برخی خانواده‌ها، یک کودک ناخواسته در جایگاهی قرار می‌گیرد که باید همیشه بهترین باشد، بی‌خطا، موفق و مایه افتخار. این نقش که در روانشناسی غیررسمی از آن با عنوان کودک طلایی یاد می‌شود، اگرچه در ظاهر مثبت به نظر می‌رسد، اما می‌تواند پیامدهای پنهان و ماندگاری بر سلامت روان کودک و روابط خانوادگی او بر جا بگذارد. به گزارش ایرنا زندگی، با توجه به مطلب منتشرشده در وب‌سایت تخصصی سلامت Cleveland Clinic، مفهوم کودک طلایی به الگویی تربیتی اشاره دارد که در آن یک فرزند به‌طور مداوم مورد تحسین، حمایت بی‌قید و شرط و انتظارات بالا قرار می‌گیرد. این رویکرد، هرچند گاه از نیت‌های مثبت والدین نشأت می‌گیرد، اما از نگاه کارشناسان می‌تواند تعادل عاطفی خانواده را بر هم بزند و در بلندمدت، چالش‌هایی جدی در شکل‌گیری هویت، عزت‌نفس و روابط اجتماعی فرد ایجاد کند.

کودک طلایی دقیقاً به چه معناست؟

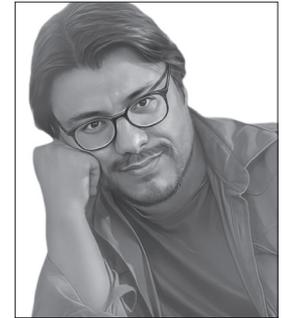
بر اساس تحلیل‌های روانشناسی، کودک طلایی به فرزندگی گفته می‌شود که در ساختار خانواده، به صورت مداوم به عنوان الگو، موفق‌ترین و بی‌نقص‌ترین عضو معرفی می‌شود. این کودک اغلب بیش از دیگران مورد توجه، حمایت و تحسین والدین قرار می‌گیرد و در مقابل، خطاها و کاستی‌های نادیده گرفته می‌شود یا توجیه می‌گردد. در چنین شرایطی، کودک به‌تدریج می‌آموزد که ارزشمندی او وابسته به عملکرد، موفقیت و برآورده کردن انتظارات دیگران است.

چرا این الگو در خانواده شکل می‌گیرد؟

کارشناسان معتقدند این الگوی رفتاری معمولاً ریشه در نیازهای برآورده نشده والدین دارد. گاهی والدین، ناخواسته فرزند خود را به ابزاری برای تحقق آرزوهای

مقاله

نگاهی به نقد ادبی در ایران این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار



دکتر علی چراغی، منتقد ادبی

نقد ادبی صرفاً جداسازی سره از ناسره نیست و قرار نیست به عملی مکانیکی فروکاسته شود که با شابلون، ذره‌بین یا بسامدگیری آماری به نتیجه برسد. نقد، کنشی داورانه است؛ عملی تحلیلی که اثر ادبی را در نسبت با زبان، فرم، ساختار و مهم‌تر از همه، تأثیر آن بر مخاطب می‌سنجد و در نهایت، موضع می‌گیرد. با این حال، آنچه امروز در فضای ادبی ایران با نام نقد رواج دارد، اغلب از این مسئولیت داورانه تهی شده است. یکی از نخستین مشکلات، جابه‌جایی نقد با معرفی است. بخش قابل توجهی از متن‌هایی که امروز ذیل عنوان «نقد کتاب» منتشر می‌شوند، در واقع معرفی‌های محترمانه یا ستایش‌های کم‌خطرند. منتقد به جای آنکه جایگاه اثر را در سنت ادبی، در نسبت با آثار هم‌دوره یا در مواجهه با مخاطب تعیین کند، به ذکر چند ویژگی پراکنده بسنده می‌کند و از نتیجه‌گیری نهایی می‌گریزد. این نوع نوشتن، بیش از آنکه نقد باشد، گزارش است؛ گزارشی که مسئولیت داورانه را به خواننده واگذار می‌کند، بی‌آنکه ابزار لازم را به او بدهد. ریشه‌ی این احتیاط را باید در فقدان استقلال منتقد

جست‌وجو کرد. منتقد در ایران اغلب در چند نقش هم‌زمان ظاهر می‌شود: نویسنده است، ناشر است، عضو حلقه‌ی ادبی است یا در نسبت‌های حرفه‌ای و شخصی با نویسندگان قرار دارد. در چنین وضعیتی، نقد صریح به سرعت به مسئله‌ای پرهزینه تبدیل می‌شود. نتیجه، عقب‌نشینی از داورانه و پناه بردن به متنی خنثی است که نه دشمن می‌سازد و نه دوست از دست می‌دهد. نقد، به جای کنش فکری مستقل، به ملاحظه‌ای اجتماعی بدل می‌شود. این خنثی‌نویسی پیامد مستقیم دیگری هم دارد: بی‌اثر شدن نقد. وقتی منتقد موضع ندارد، مخاطب نیز تکلیف خود را نمی‌داند. نه می‌فهمد چرا باید اثری را جدی بگیرد، و نه درمی‌یابد ضعف آن کجاست. در چنین شرایطی، نقد نه در ارتقای سلیقه‌ی ادبی مخاطب نقش دارد و نه در اصلاح مسیر نویسنده. میدان ادبی، بی‌داور می‌ماند. مشکل دیگر، غلبه‌ی نقد مقاله‌محور و ارجاع‌زده است؛ نقدی که بیش از آنکه با اثر ادبی درگیر شود، درگیر نمایش نظریه است. منتقد به جای ساختن موضع تحلیلی خود، به صف‌آرایی نام‌ها و «ایسم‌ها» بسنده می‌کند: فوکو، آلتوسر، وندلیک، بارت و دیگران. ارجاع‌ها افزایش می‌یابند، اما داورانه غایب است. نقد به متنی دانشگاهی بدل می‌شود که مخاطب عام ندارد و در بهترین حالت، در ژورنال‌های کم‌خواننده بایگانی می‌شود. این وضعیت پرسشی اساسی را پیش می‌کشد: چرا نقد ادبی ایران با منتقد گره نخورده است؟ چرا چهره‌ای با امضای فکری مشخص، با موضع روشن و قابل پیش‌بینی نداریم؟ در سنت‌های زنده‌ی نقد، منتقد صرفاً ناقل نظریه نیست؛ او صاحب دیدگاه است. خواننده می‌داند که مثلاً فلاں منتقد در مواجهه با رمان تاریخی، زبان شاعرانه یا ادبیات ایدئولوژیک چه موضعی دارد و چرا. در نقد امروز ایران، این شخصیت فکری اغلب غایب است. نبود چنین شخصیت مستقلی، به تدریج نقد را به امری بی‌خطر و بی‌خاصیت تبدیل کرده است؛ نقدی که نه تولید نظریه می‌کند و نه حتی نظریه را به‌طور خلاصه بومی می‌سازد. این همان «نقد نسیه» است؛ نقدی که وعده می‌دهد، توضیح می‌دهد، اما در نهایت تسویه حساب نمی‌کند. بخش دیگری از بحران نقد ادبی در ایران را باید در فرهنگ تعارف و سفیدشویی ادبی جست‌وجو کرد. در فضایی که روابط شخصی، حلقه‌های محدود و ملاحظات غیرادبی نقش پررنگی دارند، نقد صریح اغلب به مثابه کنشی غیراخلاقی یا خصمانه تلقی می‌شود. منتقد به جای آنکه ضعف‌های ساختاری اثر را آشکار کند، می‌کوشد با عباراتی ملایم، نقد را به پیشنهادهای دوستانه تقلیل دهد. نتیجه، متونی است که بیش از آنکه حقیقت اثر

را نشان دهند، کوششی‌اند برای حفظ توازن روابط. این وضعیت، نقد را از جایگاه طبیعی خود — یعنی داورانه — خلع می‌کند. نقدی که از ترس حاشیه، حذف یا دشمن‌سازی، زبانش را مهار می‌کند، دیگر نقد نیست؛ بلکه نوعی هم‌نوایی منفعلانه با وضعیت موجود است. چنین متنی نه توان اصلاح دارد و نه قدرت تأثیر. در بهترین حالت، به مصرف همان حلقه‌ی محدود تولیدکنندگان می‌رسد و در بدترین حالت، بی‌صدا فراموش می‌شود. از سوی دیگر، نباید نقش نویسندگان را در این چرخه نادیده گرفت. نقد مستقل، بدون اثر جسور، امکان ظهور ندارد. وقتی ادبیات محافظه‌کار می‌شود، نقد نیز محافظه‌کار می‌ماند. اگر نویسنده‌ای خطر نکند، اگر اثر ادبی موضع نداشته باشد، منتقد نیز انگیزه‌ای برای داورانه نخواهد داشت. با این حال، این رابطه‌ی دوسویه نباید به توجیه انفعال منتقد بینجامد. وظیفه‌ی نقد، واکنش منفعلانه به اثر نیست؛ بلکه ایجاد تنش فکری در میدان ادبی است. در چنین بستری، تمرکز افراطی بر نظریه‌های وارداتی نیز به مانعی دیگر بدل شده است. مسئله صرفاً استفاده از نظریه‌های غربی نیست؛ مسئله، نبود تولید موضع تحلیلی بومی است. نظریه زمانی کارآمد است که به ابزار تحلیل بدل شود، نه به سپری برای پنهان شدن پشت نام‌ها. وقتی نقد به نمایش ارجاع‌ها فروکاسته می‌شود، اندیشه‌ی منتقد ناپدید می‌شود. نقد، بی‌صدا می‌شود؛ حتی اگر پر از اصطلاحات پرطمطراق باشد. بخش قابل توجهی از کتاب‌های موسوم به «نقد ادبی» در سال‌های اخیر، در عمل فاقد ویژگی‌های لازم برای «نقد مستقل» هستند؛ از حیث ساختار، از حیث موضع و از منظر تأثیرگذاری. نخست آنکه بسیاری از این آثار، مجموعه‌مقاله‌اند؛ مقالاتی که اغلب پیش‌تر در نشریات دانشگاهی منتشر شده‌اند و بدون بازاندیشی ساختاری، به شکل کتاب درآمد‌اند. این نوع آثار، فاقد انسجام درونی‌اند و به جای پیگیری یک مسئله مشخص، مجموعه‌ای از خوانش‌های پراکنده را کنار هم می‌نشانند. کتاب نقد، در معنای جدی آن، باید مسئله‌محور باشد؛ یعنی یک پرسش مرکزی داشته باشد و تمام فصل‌ها در خدمت پاسخ‌دادن به آن پرسش قرار گیرند. غیبت این انسجام، داورانه‌ی نهایی را عملاً ناممکن می‌کند. دوم، فقدان موضع داورانه است. بسیاری از کتاب‌های نقد، بیش از آنکه به تحلیل و ارزیابی اثر یا جریان ادبی بپردازند، به شرح و بازگویی نظریه‌ها بسنده می‌کنند. نظریه جای تحلیل را گرفته و منتقد به ناقل تبدیل شده است. در چنین آثاری، خواننده با انبوهی از ارجاع‌ها مواجه می‌شود، اما در نهایت نمی‌داند نویسنده کتاب چه

موضعی دارد و چرا. داور یک جایزه ادبی، با متنی مواجه است که دانش را نمایش می‌دهد، اما قضاوت نمی‌کند؛ و نقدی که داور ندارد، خود نمی‌تواند داور شود. سوم، اغلب این آثار مخاطب‌گریزند. زبان بیش از حد تخصصی، ساختار دانشگاهی و بی‌توجهی به خواننده‌ی غیرآکادمیک، نقد را به متنی بسته و درون‌گفتمانی تبدیل کرده است. این در حالی است که نقد ادبی، حتی در سطح پیشرفته، باید بتواند با میدان ادبی و مخاطب عمومی تر ارتباط برقرار کند. کتابی که صرفاً برای چند داور هم‌رشته نوشته شده، نمی‌تواند مدعی اثرگذاری در سپهر ادبی باشد. چهارم، کتاب‌های نقد کمتر به ارزیابی تأثیر اثر بر مخاطب و زمانه می‌پردازند. نقد اغلب در سطح متن باقی می‌ماند و از پرسش‌های کلیدی می‌گریزد؛ این اثر چه چیزی را در تجربه خواننده تغییر می‌دهد؟ چه امکانی را در ادبیات معاصر می‌گشاید یا می‌بندد؟ فقدان این نگاه، نقد را به تمرینی صرفاً تکنیکی فرو می‌کاهد. مسئله این نیست که نقد در ایران وجود ندارد؛ مسئله این است که نقد قاطع، مستقل و امضادار کمیاب شده است. نقدی که حاضر باشد هزینه بدهد، موضع بگیرد و تکلیف مخاطب را روشن کند. نقدی که نه در پی رفاقت‌سازی است و نه در پی نمایش فضل، بلکه به دنبال روشن کردن نسبت اثر با ادبیات، جامعه و تاریخ است. چرا امروز در نقد ادبی ایران کمتر با کتابی مواجه می‌شویم که مانند طلا در مس رضا برآیند، واجد موضع داورانه‌ی روشن، زبان امضادار و جسارت نقد بی‌پرده باشد؟ چرا کتابی در حد و اندازه‌ی نوشته‌های انتقادی محمد مختاری شکل نمی‌گیرد که نقد ادبی را در نسبت زنده با اندیشه، جامعه و زمانه قرار دهد و از خنثی‌نویسی بگریزد؟ چرا نمونه‌هایی چون نقدهای رمان‌محور عبدالعلی دستغیب که می‌کوشیند تکلیف خواننده را دربار‌ی قوت و ضعف اثر روشن کنند، به استثنا بدل شده‌اند و به جریان غالب نقد نیپوسته‌اند؟ این پرسش‌ها برای نشان‌دادن یک گسست طرح می‌شوند: گسست میان سنت نقد داورانه و وضعیت امروز که در آن نقد، بیش از آنکه مسئولیت باشد، به ملاحظه بدل شده است.



به بهانه (۲۱ فوریه - ۲ اسفند) روز جهانی زبان مادری زبان مادری؛ حافظه‌ی جهان و تپش هویت انسان



از زبان‌های مادری در جهان است؛ زبان‌هایی که اگر آخرین گویشوران خاموش شوند، نه فقط یک زبان، بلکه یک تاریخ، یک حافظه و یک جهان‌بینی از میان می‌رود. هرتسوک با این تصویر تکان‌دهنده، نشان می‌دهد که خاموشی زبان‌ها، فقط خاموشی واژه‌ها نیست؛ خاموشی جهان‌هایی است که در آن‌ها رؤیا، تاریخ و رابطه‌ی انسان با زمین شکل گرفته است. امروز جهان بیش از ۷۰۰۰ زبان را در خود جای داده، اما نیمی از آن‌ها در آستانه‌ی نابودی‌اند و هر دو هفته یک زبان خاموش می‌شود. این خاموشی فقط از میان رفتن واژه‌ها نیست؛ از میان رفتن یک جهان‌بینی است. ایران نیز با وجود تنوع زبانی کم‌نظیرش از فارسی، ترکی، کردی و بلوچی تا گیلکی، مازنی، عربی، ترکمنی، تالشی و ده‌ها گویش دیگر، چالش‌هایی مشابه رویه‌روست. در برخی مناطق، انتقال زبان به نسل‌های جدید کاهش یافته و منابع آموزشی و مکتوب محدود است؛ وضعیتی که برخی زبان‌ها را در معرض فراموشی قرار داده. در کنار این واقعیت‌ها، باید به نکته‌ای مهم در ساختار حقوقی ایران نیز توجه کرد: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل پانزدهم، آموزش

از زبان‌های محلی و قومی را در کنار زبان فارسی به رسمیت شناخته است. این اصل و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است. این بند قانونی نشان می‌دهد که تنوع زبانی نه تنها یک واقعیت فرهنگی، بلکه یک حق به رسمیت شناخته شده است. با این حال، وضعیت آموزش زبان‌های مادری در ایران هنوز با ظرفیت‌های قانونی فاصله دارد. تدریس ادبیات برخی زبان‌ها در دانشگاه‌ها و انتشار رسانه‌های محلی گام‌های مثبتی بوده، اما آموزش رسمی و نظام‌مند در مدارس به‌طور گسترده اجرا نشده است. در استان گلستان که خانه‌ی زبان‌ها و فرهنگ‌های متنوعی چون ترکمنی، مازنی، و اقلیت‌های دیگر است، این شکاف بیشتر به چشم می‌آید. زبان ترکمنی با وجود پیشینه‌ی غنی و جامعه‌ی گسترده‌ی گویشوران، هنوز جایگاه تثبیت‌شده‌ای در نظام آموزشی رسمی ندارد و بیشتر انتقال آن بر دوش خانواده‌ها و محافل فرهنگی است. زبان مازنی نیز، با وجود ریشه‌ی عمیق در فرهنگ منطقه، در معرض کاهش انتقال بین‌نسلی

اندیشیدن، احساس کردن و انتقال تجربه‌های نسل‌ها. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد کودکانی که آموزش ابتدایی را با زبان مادری آغاز می‌کنند، نه تنها در یادگیری موفق‌ترند، بلکه هویت پایدارتر و اعتمادبه‌نفس بیشتری نیز پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، هر زبان حامل دانشی منحصربه‌فرد درباره طبیعت، تاریخ و شیوه‌های زیستن است؛ دانشی که با خاموش شدن زبان، برای همیشه از دست می‌رود. روز هرتسوک در فیلم «جایی که مورچه‌های سبز رویا می‌بینند» صحنه‌ای می‌آفریند که در آن مردی از بومیان استرالیایی در دادگاه می‌خواهد سخن بگوید، طبق روال، برای هر قبیله مترجمی حضور دارد، اما برای او هیچ مترجمی پیدا نمی‌شود؛ زیرا او آخرین بازمانده‌ی قبیله‌ی خود است. زبان او، مانند قبیله‌اش، در آستانه‌ی خاموشی کامل قرار دارد. زبان او دیگر شنونده‌ی ندارد و همین، او را در دادگاهی رسمی به انسانی «بی‌صدا» تبدیل می‌کند. وقتی زبان می‌میرد، انسان تنها نمی‌شود؛ جهان او نیز بی‌صدا می‌شود. او در دادگاه حضور دارد، اما چون زبانش شنیده نمی‌شود، گویی اصلاً وجود ندارد. این صحنه استعاره‌ای قدرتمند از وضعیت بسیاری

یادداشت



مهدی جلیلی

روز جهانی زبان مادری، که هر سال در ۲۱ فوریه گرامی داشته می‌شود، تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ یادآور این حقیقت است که زبان مادری نخستین دریچه‌ای است که انسان از آن جهان را می‌بیند و نخستین آوایی است که هویت را در جان او می‌نشانند. یونسکو این روز را به یاد دانشجویانی در بنگالاش نام‌گذاری کرد که در سال ۱۹۵۲ برای حق استفاده از زبان مادری خود جان باختند؛ رویدادی که بعدها به نماد جهانی مقاومت در برابر خاموشی زبان‌ها و دفاع از تنوع فرهنگی تبدیل شد. اهمیت این روز از آنجاست که زبان مادری فقط ابزار ارتباط نیست؛ بستری است برای

قرار گرفته و نیازمند حمایت آموزشی و تولید محتوای مکتوب و رسانه‌ای است. توجه به زبان مادری در چنین شرایطی یک ضرورت فرهنگی و علمی است. پاسداشت زبان مادری یعنی تقویت آموزش، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش تبعیض و حفظ میراث ناملموسی که قرن‌ها شکل گرفته. روز جهانی زبان مادری یادآور این است که هیچ جامعه‌ای با تک‌صدایی رشد نمی‌کند و هیچ زبانی، حتی کوچک‌ترین و کم‌گویش‌ترین آن‌ها بی‌اهمیت نیست. هر زبان، قطعه‌ای از تابلوی مرقع زیبای انسانیت است و حفظ آن، حفظ بخشی از خود ماست.

تا ببینی غرور ایران را
بشنوی قصه‌ی دلبران را
هر نفس مرز شانه‌هایت را
غیرت و اقتدار می‌ریزم

پس بخوان قصه‌ی سیاوش را
شور رستم، کمان آرش را
با همین بیت‌ها وجودت را
رونق و اعتبار می‌ریزم

افتخار تو نام ایران است
پرچمش را بگیر بالاتر
با نگاهت شکوه ایران را
در دل روزگار می‌ریزم

ما از قلم شمشیر می‌سازیم
از واژه‌ها قصه‌هایی سبز
گل می‌دهد احساسمان هر روز
تا شعرها مان گرم و مردادی‌ست

قصه‌ی دلبران

با همین لای لای لای
در نگاهت، بهار می‌ریزم
بی‌قراری نکن که در هر بیت
واژه‌ واژه، قرار می‌ریزم!

در خیالت جوانه می‌کارم
شوق پرواز و پر گشودن را
در دل آرزوی شیرینت
باز و شاهین و سار می‌ریزم

هر شب از شاهنامه و حافظ
داستانی دوباره می‌خوانم
هر سحر در هوای زندگیت
شعر را، بشمار می‌ریزم

چشم و می‌کنی گلستان را
بوستان را و راز در آن را

سعیدی از یار می‌نویسد و من
عشق را در مدار می‌ریزم

گاهی از تار و پود مثنوی و
شهر عطار، قصه می‌بافم
نقش سیمبرغ و کوه قافش را
بج به ریج، روی دار می‌ریزم

گاه اما رباعی خیام
می‌شود همنشین چشمانت
لحظه‌ای در گلوئی اندیشه
نغمه‌ای، خوش گوار می‌ریزم

نوازشی بر گونه‌ی مرگ نداشته باشیم
که مرگ هم بخشی از زندگی است
که مرگ هم...
در خود زندگی است...
و زندگی است که شکم بزرگی برای زایمان تولد و مرگ دارد

هم شکوفه هم برگ خزان
بر تاج مریم مقدس تاب می‌خورند
و زنی
در محراب
زیر نور کهربایی شمع‌های روشن
شمع‌هایی که نجواهای کوچکی را دود می‌کردند،
اشک می‌ریخت
چرا که از زندگی
و در زندگی
باز مانده بود...

شعر گلستان

آتش



فاطمه خاتمی، علی‌آباد کتول

سوال: عنصر انسان؟

جواب: «آتش» بود.

نه خاک بود و نه باد و نه آب.. آتش بود

خدا تنوره‌ی ما را اگرچه از گل ساخت
درون سینه‌ی پُر التهاب، آتش بود

از آن شراره به مستی پناه آوردیم
درون شیشه به جای شراب، آتش بود

نفر نه واحد انسان به شعله است این‌جا
و جای جای جهان بی‌حساب آتش بود

بسوز! ردّ و اثر از خودت به جا بگذار
که راز ماندنِ هر انقلاب، آتش بود

برای ما که به روی گل‌دازه رقصیدیم
عجب که وعده‌ی روزِ عذاب، آتش بود!

دو شعر از مهناز ابروانی، گرگان



ما باور گردآفریدیم

مادر به من آموخت این کشور
سرمایه‌ی آبا و اجدادی‌ست
با لهجه‌ی لالایی‌اش می‌خواند
تنها در این کاشانه آزادی‌ست

خارج نشو از مرز و بومش تا
خارج نباشد مرز رویاهات
تا دست‌های کوچکت باشد
هر گوشه از این خاک، آبادی‌ست

هر شب برایم قصه‌ها می‌خواند
از سعیدی و فردوسی و حافظ
از سرزمینی که سراسر شعر
از کوچه‌هایی که پر از شادی‌ست

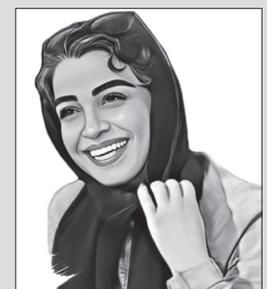
از آن درفشی که معمایش
با دست‌های کاوه معنا شد
از بغض‌های بی‌صدایی که
در هر کلامش شور فریادی‌ست!

مادر گل اندیشه‌هایم را
در دشت سبز مثنوی می‌کاشت
آنجا که هر بیتش در آرامش
آنجا که دور از هر چه بیدادی‌ست

این سرزمین همواره در تاریخ
پرگوهر و مهد هنر بوده
خاکش پر از افسانه‌های مهر
هر گوشه‌اش، گنجی خدادادی‌ست

ما باور گردآفریدیم و
تا دست‌ها مان هم‌گره باشد
این دژ که سبز است و سفید و سرخ
سهم نگاهش، شوق آزادی‌ست

نوازشی بر گونه‌ی مرگ



آسا قربانی، گرگان

برای منی که حق دارد خسته باشد
که شکسته باشد

که نخواهد

که اصلاً نباشد

شنبیه برگ‌های خزان زده

بر تاج مریم مقدس

انگار جهان همیشه از آغوش یک زن شروع شده
ولی چرا؟

انگار جهان در ستایش مرگ شرم‌سار است
اما چرا؟

چرا وقتی می‌توان برگ‌های خزان‌ی بر تاج مریم مقدس
را بوسید

جدولت را حل کن!



محمد رضا فولادی، بندر ترکمن

بر صندلیات بچرخ هی کل کل کن
با خوردن حق ما، خودت را یل کن

ما جدول کوچه‌هایتان را شُستیم
آقای رئیس، جدولت را حل کن!



خط ریلی اینچه‌برون - شاهرود در فهرست پروژه‌های خاص کشور

آبرسانی به روستاهای نوار مرزی و اعتباراتی که از سال ۹۱ به بعد برای آن مصوب شده اما جای دیگری هزینه شده است که مدیران مرتبط باید پاسخگو باشند. وی، عقب ماندگی‌ها در حوزه ورزش و سرانه فضاهای ورزشی گنبدکاووس را هم گوشزد کرد و گفت: در مناطق روستایی این شهرستان با ۲۱۳ روستا و نقطه جمعیتی فقط ۶ سالن ورزشی وجود دارد و حتی برخی روستاهای ما با جمعیت پنج تا ۱۲ هزار نفر هم فاقد سالن ورزشی هستند که قابل قبول نیست. آق آرکاکلی، توجه به مشکلات حرم و قوانین میراث فرهنگی در ساخت و ساز برخی روستاها، پیگیری واگذاری مالکیت مجموعه سوارکاری گنبدکاووس به گلستان یا این شهرستان و انجام تعهدات در زیرسازی و آسفالت راه‌های اصلی و روستایی را مورد تأکید قرار داد و افزود: در بودجه سال ۱۴۰۵ و برای نخستین بار از محل ماده ۴۲ مبلغ ۲۴ هزار میلیارد تومان بودجه پیش‌بینی شده که می‌توان از این منابع هم سهم استان و شهرستان‌ها را جذب و در امور عمران روستاها هزینه کرد.



معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان از برنامه دولت چهاردهم برای احداث خط ریلی اینچه‌برون-گنبدکاووس-آزادشهر - شاهرود خبر داد و گفت: رئیس جمهور هم در سفر هفته گذشته خود به گلستان، اجرای این پروژه را مورد تأکید قرار داده و قرار است در لیست پروژه‌های ریلی خاص کشور گنجانده شود. به گزارش ایرنا، سیدمهدی مهبیایی در جلسه بررسی نظام مسائل گنبدکاووس با حضور فرماندار، برخی مدیران و نماینده مردم این شهرستان در مجلس شورای اسلامی و نیز هشت تن از مدیران کل ستادی و دستگاه‌های اجرایی گلستان، گفت: تکمیل جاده ترانزیتی گنبدکاووس به گمرک اینچه‌برون موسوم به جاده نفت هم در دستور کار دولت قرار دارد. وی، تصویب ۳۳ همت اعتبار عمرانی در سفر رئیس جمهور به گلستان را نشانه اهتمام دولت چهاردهم برای جبران عقب ماندگی‌های زیرساخت‌های این استان در بخش‌های گوناگون دانست و افزود: ۹ همت از اعتبارات مصوب این سفر در بخش پروژه‌های حوزه آب و ۷.۵ همت هم ویژه پروژه‌های حوزه راه‌های ارتباطی است. مهبیایی از رشد اعتبارات عمرانی گلستان در بودجه سال آینده از ۱۰.۷ به ۱۳.۴ همت هم خبر داد و با قدرانی از تلاش‌های مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: افزایش سهم اعتباری گلستان با وجود عدم افزایش اعتبارات عمرانی کل کشور در سال آینده نسبت به سال جاری، ارزشمند بوده و باید این منابع صرف تکمیل پروژه‌ها با پیشرفت فیزیکی بالا شود. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان همچنین با تأکید بر ضرورت تلاش بیشتر مدیران دستگاه‌های اجرایی و خدماتی استان برای جذب منابع ملی متفرقه، تبصره‌ها، در اختیار وزارتخانه‌ها و دفتر رئیس مجلس شورای اسلامی، گفت: درحال حاضر نسبت اعتبارات استانی به ملی ما ۲۵ به ۷۵ درصد است. وی افزود: برنامه‌ریزی برای سفر مقامات ملی به گلستان یا برگزاری جلسات مشترک مدیران استانی با ملی در جذب منابع ملی مؤثر است که باید در سال آینده مورد توجه بیشتر مدیران این استان قرار گیرد ضمن اینکه در سفر امسال برخی مقامات و وزیران به گلستان از جمله وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی،

بررسی نظام مسائل فرصتی برای توسعه گنبدکاووس

فرماندار گنبدکاووس هم در این جلسه با قدرانی از حضور معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار و هشت تن از مدیران کل ستادی و استانی در جلسه بررسی نظام مسائل این شهرستان، گفت: آشنایی از نزدیک مدیران اجرایی با نظام مسائل گنبدکاووس، فرصت خوبی برای توسعه این شهرستان کم برخوردار است. سلیمان هاشمی افزود: در ۱.۵ سال فعالیت دولت چهاردهم و مدیران آن و نیز همراهی و پیگیری نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی و سفر مقامات ملی، اقدامات عمرانی خوبی در گنبدکاووس رقم خورده که افتتاح یا آغاز عملیات اجرایی ۳۲۷ پروژه عمرانی و اقتصادی با اعتبار ۴۸۰ میلیارد تومان از هفته دولت تا دهه فجر امسال یک نمونه آن بوده است. وی بابیان اینکه از مجموع پروژه‌های دهه فجر گنبدکاووس ۹۵ درصد افتتاحی و تنها پنج درصد آغاز عملیات اجرایی بوده است، اضافه کرد: این پروژه‌ها توسط ۲۱ دستگاه اجرایی و خدماتی در این شهرستان اجرا شده یا درحال اجرا هستند.

در سال ۱۴۰۵ هم ۲ همت کاسته شد که به همراه دیگر منابع پیش‌بینی شده در مجموع ۶ همت به نفع بودجه استان اضافه شد. وی با تأکید بر ضرورت حرکت مدیران گنبدکاووس بر اساس هلف و برنامه در سال ۱۴۰۵ و پیگیری جذب منابع اعتباری و اجرای پروژه‌های پیش‌بینی شده، اضافه کرد: از مدیران استانی هم انتظار داریم در جذب منابع ملی و توزیع منابع اعتباری استانی بین ۱۴ شهرستان بر اساس عدالت و شاخص‌های جمعیت و وسعت و عقب‌ماندگی‌ها اقدام کنند. آق آرکاکلی، اقدامات عمرانی و خدماتی انجام شده در حدود ۲ سال گذشته را حاصل تعامل دولت و مجلس دانست و اضافه کرد: هدف خدمت به مردم است و در این راه، فرد یا نهاد مهم نیست بلکه باید با کار و تلاش بیشتر، منابع و گره‌های برسر راه خدمت به مردم برداشته شود. نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: این شهرستان مرزی در سنوات گذشته و در ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های آن مورد کم‌لطفی و اجحاف قرار گرفته که باید برای جبران آن تلاش شود به‌عنوان نمونه در بحث

اعتبارات خوبی برای برخی پروژه‌ها و تکمیل زیرساخت‌ها جذب شد. مهبیایی همچنین بر لزوم استفاده از ظرفیت مولدسازی بویژه در حوزه راه و شهرسازی تأکید کرد و اضافه کرد: وزارت راه و شهرسازی تعهد ۶ همتی برای حوزه راه‌های گلستان داده که ۲۸۰۰ میلیارد تومان آن برای ۲ پروژه تکمیل تعریف و ایمن‌سازی جاده گنبدکاووس - به آق قلا به مبلغ ۱۶۰۰ میلیارد تومان و تکمیل جاده ترانزیتی گنبدکاووس به اینچه‌برون (نفت) به مبلغ ۱۲۰۰ میلیارد تومان است.

۶ هزار میلیارد تومان به بودجه گلستان اضافه شد

نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی هم در این جلسه از افزایش ۶ هزار میلیارد تومانی به مجموع اعتبارات عمرانی گلستان در بودجه سال ۱۴۰۵ خبر داد و گفت: با تلاش‌های انجام شده توسط مجمع نمایندگان مردم استان در مجلس، بودجه عمرانی گلستان از ۱۰.۷ همت به ۱۳.۴ همت در سال آینده اضافه شد. عبدالرحیم آق آرکاکلی افزود: از سهم و درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده برای گلستان

این شهرستان هم شاهد وضعیت خشکسالی خفیف هستیم. رئیس اداره هواشناسی گنبدکاووس همچنین از پیش‌بینی وضعیت نرمال بارش‌ها در اسفندماه امسال و فصل بهار سال آینده هم خبر داد و گفت: گنبدکاووس، اینچه‌برون، چیرقویمه، خیرخواجه سفلی، قره کسلخه، قره ماخر، داشلی برون، کرنند، آی تمر، کلیجه، آق آباد، کاکا و محمد ایمر سرتیپه ۱۳ ایستگاه همدردی، اقلیم شناسی و باران سنجی هواشناسی این شهرستان است. فرشاد افزود: با تکمیل ساختمان رادار هواشناسی گنبدکاووس و نصب تجهیزات آن، اطلاعات دقیق‌تر از پیش‌بینی و رصد دقیق پدیده‌ها و جریان‌های جوی آنها داده خواهد شد. وی از پیشرفت فیزیکی ۷۷ درصدی این پروژه که عملیات اجرایی آن از مرداد ۱۴۰۱ و با زیربنای ۹۳۴ مترمربع آغاز شد، خبر داد و اضافه کرد: تاکنون برای ساخت ساختمان رادار هواشناسی گنبدکاووس ۳۲۵ میلیارد ریال هزینه شده و تکمیل آن نیز به همین مقدار اعتبار دیگر نیاز دارد.

۳۱ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده و درحال حاضر وضعیت شاخص بارش‌ها، نرمال شده است. به گزارش روابط عمومی، منصور فرشاد افزود: مطابق اطلاعات ثبت شده از ۱۳ ایستگاه هواشناسی (همدردی، اقلیم شناسی و باران سنجی) مستقر در نقاط مختلف گنبدکاووس، از ابتدای سال زراعی جاری تاکنون از ۷۰۹ میلی‌متر در روستای «خیرخواجه سفلی» از توابع بخش داشلی برون تا ۲۰۸.۲ میلی‌متر در روستای «کاکا» از توابع بخش مرکزی این شهرستان بارش ثبت شده است. وی گفت: ثبت این میزان بارش در گنبدکاووس با میانگین ۱۳۷.۱ میلی‌متر نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۱ درصد افزایش یافته اما نسبت به دوره آماری بلند مدت ۱۱ درصد کاهش دارد. فرشاد، ثبت این میزان بارش را دلیل اصلی نرمال شدن وضعیت بارش‌ها در بیشتر مناطق گنبدکاووس دانست و اضافه کرد: در «اینچه‌برون، خیرخواجه سفلی و داشلی برون» وضعیت خشکسالی متوسط و در منطقه «کلیجه»

رشد ۳۱ درصدی بارش‌ها در گنبدکاووس

رئیس اداره هواشناسی گنبدکاووس از ثبت میانگین ۱۳۷.۱ میلی‌متر بارش باران از ابتدای سال زراعی جاری (اول مهرماه) تاکنون در نواحی مختلف این شهرستان مرزی با اقلیم خشک و نیمه بیابانی خبر داد و گفت: این میزان



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به مرمت لکه گیری و حفاری آسفالت سطح منطقه یک (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۴,۵۶۲,۴۶۰,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای ورسته کاری اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای صلاحیت از محل کد پروژه ۴۰۲۱۰۲ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ لغایت مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۱۳۵۷۸۰

شکاف نسلی، چالش جدی فرزندپروری نوجوانان است

بطوری که تجربه‌های اجتماعی سال‌های اخیر نیز نشان داده، فاصله قابل توجهی میان والدین و فرزندان و حتی میان نهادهای مسئول و نسل جوان ایجاد شده است. معاون دادگستری گلستان با اشاره به اهمیت پیشگیری در سیاست‌های اجتماعی گفت: در تقسیم‌بندی پیشگیری به سه سطح اولیه، ثانویه و ثالثیه، آنچه ماندگار و اثربخش است، پیشگیری اولیه با رویکرد اجتماعی است و اگر بتوانیم مهارت‌آموزی صحیح را از ابتدا به کودکان و نوجوانان آموزش دهیم، نتایج پایدار و موثری حاصل خواهد شد؛ در غیر این صورت، سایر اقدامات هزینه‌بر و کم‌دوام خواهند بود. عابدی آموزش را مهم‌ترین ابزار پیشگیری دانست و تصریح کرد: امروز آسیب‌ها تنها به اعتیاد به مواد مخدر محدود نمی‌شود؛ انواع دیگری از وابستگی‌ها و آسیب‌های نوظهور در میان نوجوانان دیده می‌شود و ما مسئولیم شیوه صحیح استفاده از امکانات و ابزارهای جدید را به فرزندان خود آموزش دهیم، نه اینکه فقط به دنبال حذف آن‌ها باشیم. دبیر شورای هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر گلستان هم در این نشست با بیان اینکه رویکرد اصلی استان در سال جاری توانمندسازی گروه‌های هدف است، گفت: کارگاه ملی فرزندپروری مثبت با حضور نمایندگان سمن‌های ۳۱ استان کشور برگزار شده و شرکت‌کنندگان موظف‌اند پس از بازگشت، آموزش‌ها را در سطح گسترده ملی توسعه دهند. مهدی طالبی اظهار کرد: در سال جاری، با راهبری استاندار گلستان و معاون سیاسی استاندار به‌عنوان رئیس کمیته توسعه مشارکت‌های مردمی، توانمندسازی گروه هدف به‌عنوان محور اصلی برنامه‌ها قرار گرفته است. وی افزود: از ابتدای سال چهار محور برنامه‌های در حوزه توانمندسازی اجرا شده که شامل ۲ دوره آموزشی برای کارشناسان و کادر متخصص دستگاه‌های اجرایی و ۲ دوره برای توانمندسازی نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد کشور بوده است. طالبی با اشاره به برگزاری کارگاه سه‌روزه فرزندپروری مثبت گفت: در این دوره، روسای کمیته‌های پیشگیری و توسعه مشارکت‌های مردمی سمن‌های ۳۱ استان کشور حضور دارند و این برنامه با حمایت ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور و یونسف برگزار می‌شود. وی ادامه داد: شرکت‌کنندگان این کارگاه پس از بازگشت به استان‌های خود موظف‌اند حداقل ۳۰ خانواده و یک سازمان مردم‌نهاد را آموزش دهند و در مجموع مدیریت و برگزاری ۲۷۲ کارگاه آموزشی را در سطح کشور بر عهده بگیرند. دبیر شورای هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر گلستان تأکید کرد: اجتماعی‌سازی مبارزه با مواد مخدر از طریق توانمندسازی گروه‌های هدف محقق می‌شود و بهترین شیوه مقابله با این معضل، تقویت خانوادها و واگذاری نقش فعال به جامعه است.



به افزایش کارایی و بهبود عملکرد می‌شود. وی افزود: یکی از مأموریت‌های حوزه بین‌المللی ستاد، فراهم‌سازی بستر استفاده از ظرفیت‌های مالی، کارشناسی و فنی آژانس‌های تخصصی سازمان ملل است که همکاری با یونسف در همین چارچوب دنبال می‌شود. زارع‌کوشا ایجاد ظرفیت‌های جدید در حوزه‌های مختلف مبارزه با مواد مخدر، به‌ویژه در بخش پیشگیری، درمان و صیانت از بهبودیافتگان را از اهداف این همکاری‌ها برشمرد و گفت: بهره‌گیری هدفمند از تجارب بین‌المللی در زمینه کنترل آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از مواد مخدر از دیگر محورهای این تعاملات است. وی با اشاره به سابقه اجرای این برنامه در کشور تصریح کرد: این طرح از تجارب موفق بین‌المللی است که با همکاری یونسف و پس از بومی‌سازی در کشور اجرا شد که نخستین دوره آن در سال ۱۴۰۲ در استان قم برگزار و سپس در خراسان رضوی و شهرپور امسال در شهرهای چابهار و زاهدان استان سیستان و بلوچستان اجرا کردیم که نتایج بسیار مثبتی به همراه داشت؛ به‌طوری‌که بیش از ۹ هزار نفر در قالب آموزش‌های فرزندپروری تحت پوشش قرار گرفتند. معاون اجتماعی و پیشگیری از تخلفات دادگستری گلستان هم با تأکید بر پیچیدگی شرایط اجتماعی امروز گفت: فاصله میان والدین و فرزندان و حتی میان نهادهای مسئول با نسل نوجوان افزایش یافته و تنها راه ماندگار برای کاهش آسیب‌ها، تمرکز بر آموزش و پیشگیری اجتماعی است. رمضانعلی عابدی بر اهمیت برگزاری چنین نشست‌هایی در گلستان تأکید کرد و با اشاره به موضوع کارگاه، گفت: نوجوانان از اقشار کمتر شناخته‌شده هر جامعه هستند و با پیچیده‌تر شدن دانش و معادلات اجتماعی، شناخت این قشر نیز دشوارتر شده است.

وی با اشاره به اهداف پیشگیرانه این برنامه تصریح کرد: فرزندپروری مثبت می‌تواند در کاهش ریسک فاکتورهای انواع آسیب‌های اجتماعی، از جمله مصرف مواد مخدر، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و بسیاری از عوامل زیستی و اجتماعی موثر بر بروز آسیب‌ها را هدف قرار دهد. مسئول برنامه نوجوانان یونسف با تأکید بر تداوم حمایت از شرکت‌کنندگان افزود: همراهی ما به برگزاری این کارگاه محدود نمی‌شود و تا مرحله اجرا و ارزیابی نهایی در کنار شما خواهیم بود تا اطمینان حاصل کنیم تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها و نوجوانان تحت پوشش این آموزش‌ها قرار می‌گیرند. طاهری‌نخست با اشاره به جامع بودن بسته آموزشی این برنامه خاطر نشان کرد: این بسته شامل محتوای چاپی، کتابچه‌های کار برای والدین و نوجوانان، فیلم‌های آموزشی، ویدئوهای تمرینی و مشن‌گرافی‌های کاربردی است که اجرای موثر برنامه را تسهیل می‌کند و امیدواریم با اجرای دقیق این بسته توسط شما، شاهد کاهش ریسک فاکتورهای آسیب‌های اجتماعی و ارتقای خدمات ارائه‌شده به نوجوانان باشیم. رئیس اداره مجامع بین‌المللی ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور هم با تأکید بر اهمیت آموزش‌های تخصصی در حوزه پیشگیری گفت: این رویداد در چارچوب همکاری مشترک ستاد و یونسف برگزار می‌شود و سرمایه‌گذاری موثری برای ارتقای ظرفیت‌های ملی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه در میان نوجوانان است. محمد زارع‌کوشا در این جلسه با اشاره به برگزاری این رویداد در چارچوب همکاری مشترک با صندوق کودکان ملل متحد (یونسف) اظهار کرد: برگزاری رویدادهای علمی و آموزشی نوعی سرمایه‌گذاری مفید و اقدامی راهبردی برای توسعه برنامه‌هاست که در سطح فردی موجب ارتقای توانمندی و در سطح سازمانی منجر

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان با تأکید بر افزایش شکاف نسلی میان والدین و فرزندان گفت: شناخت ناکافی از دنیای نوجوانان زنگ خطر جدی است و برای مدیریت این وضعیت، باید از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت جدی بهره بگیریم. به گزارش ایرنا، محمد حمیدی در کارگاه آموزشی فرزندپروری مثبت نوجوانان ویژه کارشناسان سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه پیشگیری از مصرف مواد مخدر کشور به میزبانی شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان در گرگان با اشاره به موضوع فرزندپروری نوجوانان، اظهار کرد: نوجوانان قشری حساس و پیچیده هستند و شکاف نسلی ایجادشده موجب شده ارتباط میان والدین و فرزندان کم‌رنگ شود. وی با بیان تجربه‌های شخصی از مواجهه با برخی اصطلاحات فرهنگی رایج در میان جوانان مانند «کی‌پاپ»، «مانگا» و سریال‌های کره‌ای، افزود: وقتی با فرزند خود درباره این مفاهیم گفت‌وگو کردم، متوجه شدم نوجوانان ما آگاهی گسترده‌ای از جریان‌های فرهنگی نوظهور دارند، در حالی که ما والدین نسبت به این تحولات شناخت کافی نداریم. وی تأکید کرد: بهترین درجه ورود اجتماع برای درمان این آسیب‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که از بطن مردم برخاسته‌اند، ارتباط نزدیک با جامعه دارند و آموزش‌دیده‌اند و می‌توانند نقش موثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند. حمیدی حضور فعالان سمن‌های کشور در این کارگاه را نقطه آغاز یک حرکت توسعه‌ای دانست و گفت: در استان گلستان، به‌ویژه در گرگان، سمن‌های توانمند و فعالی داریم که باید از ظرفیت آن‌ها بیش از پیش استفاده شود و این دوره‌های آموزشی نیز در استان تقویت گردد. وی همچنین از راه‌اندازی مرکز نوآوری اجتماعی در گلستان خبر داد و افزود: در این مرکز، ۱۴ میز تخصصی در حوزه آسیب‌های اجتماعی با مدیریت سمن‌های مرتبط تشکیل شده تا مسائل به‌صورت تخصصی بررسی و نتایج برای پیگیری به دستگاه‌های مربوطه منتقل شود. مسئول برنامه نوجوانان صندوق کودکان ملل متحد (یونسف) هم با تأکید بر اهمیت موضوع فرزندپروری مثبت نوجوانان در شرایط کنونی کشور گفت: انتخاب فرزندپروری نوجوانان به‌عنوان محور این برنامه، تصمیمی کاملاً راهبردی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه مصرف مواد مخدر است و برای نخستین‌بار این طرح با محوریت سازمان‌های مردم‌نهاد اجرا می‌شود. حمیدرضا طاهری‌نخست اظهار کرد: در میان پیشنهادها، مختلف، موضوع فرزندپروری بیشترین امتیاز را کسب کرد و با توجه به شرایط فعلی جامعه و اتفاقات اخیر، تمرکز بر نوجوانان و ارتقای مهارت‌های فرزندپروری بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد؛ به‌ویژه زمانی که این اقدام با رویکرد اجتماع‌محور و از طریق سمن‌ها دنبال شود.

هشدار معاون استاندار گلستان:

نمایشگاه‌های بی کیفیت را تعطیل کنید

لیلا حسین زاده - معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان گفت: نمایشگاه‌ها و رویدادهای اقتصادی که فاقد هدف‌گذاری روشن، دبیرخانه قوی و خروجی مشخص باشند، نه تنها فرصت‌ساز نیستند، بلکه فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌کنند و باید از برگزاری آن‌ها جلوگیری شود. عبدالعلی کیان‌مهر در نشست با اعضای اتاق تعاون

روستایی و مرزی استان تبدیل شوند. وی با انتقاد از غیرفعال بودن بخشی از تعاونی‌های مرزنشینان گلستان، خاطر نشان کرد: ظرفیت‌های مرزی استان مغفول مانده که فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشینان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رونق تجارت مرزی، افزایش درآمد خانوارها و تقویت اقتصاد محلی ایفا کند و باید به‌عنوان یک اولویت جدی پیگیری شود. معاون استاندار گلستان با اشاره به ضرورت ایجاد تعاونی‌های قدرتمند و بزرگ، افزود: تشکیل شرکت‌های تعاونی با سهام‌داری واقعی اعضا، علاوه بر افزایش توان رقابتی استان، از شکل‌گیری انحصار جلوگیری می‌کند و زمینه حضور مؤثر تعاونی‌ها در پروژه‌ها و مناقصات ملی را فراهم می‌آورد. کیان‌مهر همچنین حمایت از ابتکارات جدید در حوزه حمل‌ونقل، لجستیک و زنجیره تأمین را مورد تأکید قرار داد و گفت: استانداری گلستان از هر برنامه منسجم، کارشناسی‌شده و اثربخش در حوزه تعاون حمایت کامل خواهد کرد؛ تقویت این بخش نه تنها به نفع مردم و فعالان اقتصادی است، بلکه به نفع دولت و آینده پایدار استان خواهد بود.

گلستان با تأکید بر اینکه کیفیت برگزاری نمایشگاه‌ها و نشست‌های اقتصادی مهم‌تر از کمیت آن‌هاست، افزود: هرگونه دعوت از مقامات ملی، وزرا یا هیات‌های خارجی باید با برنامه‌ریزی دقیق، خروجی قابل اندازه‌گیری و تأثیرگذاری واقعی همراه باشد و در غیر این صورت، این رویدادها به هدررفت منابع مالی، زمانی و اعتباری استان منجر می‌شوند. معاون اقتصادی استاندار گلستان تصریح کرد: نمایشگاه‌ها باید در شان استان گلستان، با مشارکت واقعی و مؤثر تعاونی‌ها و در چارچوب برنامه‌های کلان اقتصادی برگزار شوند و اقدامات شتاب‌زده و بدون پشتوانه کارشناسی، اعتبار استان را خدشه‌دار می‌کند و نتیجه‌ای ملموس برای مردم و فعالان اقتصادی نخواهد داشت. کیان‌مهر به نقش محوری بخش تعاون در توسعه اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد و گفت: مردمی‌سازی اقتصاد و توزیع عادلانه منافع بدون تقویت واقعی بخش تعاون امکان‌پذیر نیست و تعاونی‌ها می‌توانند به موتور محرک اشتغال پایدار، کاهش شکاف طبقاتی و تقویت معیشت مردم، به‌ویژه در مناطق